

پاسداران انسانیت!

❁ کودکان در کام خطر

❁ کار خارج

❁ مسئولیت‌های سنگین

❁ کدام مهمتر است !؟



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

کودکان در کام خطر

آشفته‌گی و بی‌نظمی، خطری است که خانواده‌ها را تهدید می‌کند

این خطر بیشتر گریبانگیر کودکانی است که در چنین خانواده‌هایی

پرورش می‌یابند.

کودکان، انسانهایی ناتوان و سرشار از استعدادهایی نشکفته،

هستند که اگر درست تحت سرپرستی قرار گیرند و خانواده و اجتماع،

درست از ایشان حمایت و «پاسداری» کند، افرادی مفید و سالم بار

می‌آیند و می‌توانند جهان را با سرعتی بیشتر، بسوی کمال و عظمت

رهنمون گردند ، جهانی که جایگاه انسانهای واقعی و مهد پرورش «انسانیت» باشد و در آن از سبیت و دیو صفتی اثری و خبری نباشد.

تقسیم کار و وظائف ، لازمه زندگی اجتماعی است . خانواده ، واحد اجتماع و یک جامعه کوچک و خانه یک کشور کوچک است . در این جامعه و کشور کوچک ، تقسیم کار و وظائف ، بهمان اندازه ضروری و حیاتی است که در جامعه بزرگ شهری و کشوری ضروری و حیاتی است . خوشبختانه در این امر ضروری و حیاتی ، طبیعت نیز بطور کامل هماهنگی خود را نشان داده است . زنان را بوسایل لازم مجهز و برمسند مقدس مادری نشانند و وظیفه پرورش و بشمر رسانیدن استعداد های کودکان را که مانظر بعظمت آن ، به « پاسداری انسانیت » تعبیر کردیم و مادران را به « پاسداران انسانیت ! » بآنها محول ساخت .

بدون تردید ، هرگاه مادران در این سنگر مقدس ، فدا کاری و پایداری کنند ، هم بوظیفه طبیعی خود عمل کرده و هم رسالت آسمانی خود را بخوبی انجام داده اند . در این صورت سلامت جسم و جان خود را تأمین کرده و از سعادت کامل برخوردار خواهند بود .

متأسفانه مادرانی هستند که کار تربیت و سر پرستی اطفال را به کسانی می سپارند که هیچگونه صلاحیتی برای آنها ندارند .

کلفت و نوکر و کود کستان ، نمی توانند نقش مادر را در پرورش جسم و جان کودک ایفا کنند . تنها احتیاج کودک ب مادر از جنبه حوائج مادی و جسمانی نیست .

روح کودک ، تشنه عواطف سوزان و بی دریغی است که جز مادر ، کسی نمی تواند ، او را اشباع کند .

اگر باین نیاز فطری و غریزی کودک ، پاسخ مساعد و کافی داده نشود، انتظار آینده‌ای درخشان برای او لغو و بیهوده است . نهاد کودک چون زمینی است که آماده پذیرش هر بذری است و بدون کمترین مقاومتی از محیط خارج متأثر میشود وزیر بنای شخصیت خرد را پی-- ریزی می کند . مادریکه احساس مسئولیت نمیکند و بخاطر هوی و هوس و یا کمک بهزینه خانواده - که غالباً ادعایی خالی از حقیقت است کودکش را تسلیم امواج خطرناک محیط بی بند و بار اجتماع و یا تقدیم کلفتها و دایه های بی سواد و نادان یا پرستاران حرفه ای کودکستانها می کند ، سرنوشت موجودی ضعیف و بیچاره را پی ریزی میکند و با دست خود موجبات بدبختی طفلش را فراهم میسازد.

ژان ژاک روسو می گوید :

— ای مادر مهربان و دور اندیشی که توانسته ای از جاده بزرگی ، دوری گزینی و این نهال نورسته را از تصادم عقاید بشری حفظ نمایی ، خطاب من بتوست . این گیاه جوان را قبل از اینکه نابود شود ، پرورش ده و آبیاری کن . روزی میوه های آن ترا شادکام خواهد کرد . خیلی زود حفاظی در اطراف روح فرزندت تشکیل ده . دیگری ممکن است مدار آن را تعیین نماید ولی این تو هستی که باید نرده های حفاظ را نصب کنی . (۱)

دکتر آلکسیس کارل گوید:

— دوران کودکی پرمایه ترین دقایق عمر است و بایستی از تمام

طرق ممکنهٔ تعلیم و تربیت ، برای آن استفاده کرد . از دست دادن این لحظات گرانبها جبران ناپذیر است . بجای اینکه سالهای نخستین عمر کودک را مهمل گذارید تا در آن زمینه ، علفهای هرزه و خودرو بروید ، باید با دقت تمام آن را آمادهٔ کشت ساخت و در آن بذر ثمربخش پاشید (۱) .

کودکانیکه از محبت و عاطفهٔ بهنگام مادر محرومند، گذشته از خلل شکنندهٔ روحی ، نمی توانند مادرانشان را بعنوان يك موجود دوست داشتنی و محبوب ، برسمیت بشناسند . بی توجهی مادر، کودکان را عنود و بدبین و حساس بارمی آورد .

کار خارج

امواج کوبندهٔ اختلافات و نابسامانیهای خانوادگی یکی از پدیده های عصر ماست ! جراید در کنار شرح ماجراهای جنایی یادی هم از این پدیدهٔ موخس می کنند . روزنامهٔ کیهان می نویسد: (۲)

«از جملهٔ مسائلی که از چندسال بدینطرف ، مورد بحث خانوادهها بوده این است که زن تا چه اندازه حق دارد کار کند و آیا کار خارج زن را چگونه می توان بازندگی خانوادگی تطبیق داد . اگر به پروندهٔ اختلافات خانوادگی مراجعه شود ، معلوم خواهد شد که یکی از دعاوی عمده ای که منشأ گشودن پرونده های زیادی در دادگاه شده ، دعوا بر سر این مسأله بوده است که آیا فلان خانمی که با داشتن سه فرزند در اداره کار می کند ، حق داشته است یا نه؟! کار خارج ، عوارضی بیار می آورد که آثار آن در

۱- موجود ناشناخته صفحه ۱۹۵

۲- مورخه ۲۹/۳/۱۲

سین بالا آشکار خواهد شد . می دانیم که بزرگترین پیوندی که میان مادر و فرزند است ، محبت است . اما مادری که کار خارج دارد ، در چشم فرزندان چنین جلوه می کند که بدانها بی علاقه است .

خوشبختانه امروز کم و بیش انتقادهایی علیه سبک و سیستم جاری از گوشه و کنار جهان به گوش می رسد و این خود ، تنبه و بازگشت بشر را از مسیر غلط و حساب نکرده ای که با شتابزدگی برگزیده است ، نوید می دهد .

مسئولیت‌های سنگین

اکنون در قبال جامعه زن ، مجامع فرهنگی ، تربیتی و دینی ، رسالت سنگینی بر عهده دارند و بایستی مساعی خود را مصروف این بدانند که بموازات پرورش مهندس ، استاد ، پزشک و ... مادران نمونه و ممتازی تربیت کنند و مخصوصاً افکار دختران را بدین حقیقت آشنا سازند که :

«بزرگترین وظیفه ای که در مقابل اجتماع دارند ، پرورش کودکانی است که جسماً و روحاً سالم و بانشاط و نمونه عالی انسانیت ، باشند ، کودکانی که بتوانند در آینده بار مسئولیت‌های شکننده و طاقت فرسای اجتماعی را بنحوا حسن بردوش گیرند و به انجام رسانند .»

باید به آنها آموخت که :

«به بسط مواهب طبیعی خود در جهت سیر و سرشت خاص خود بدون تقلید کورکورانه از مردان بکوشند . وظیفه ایشان در راه تکامل بشریت

خیلی بزرگتر از مردهاست و نبایستی آنرا سرسری گیرند و رها کنند» (۱)
برتراندراسل گوید :

«دختران را باید یاد داد که منتظر باشند احتمالاً روزی آنان هم مادر شوند و باید مقدماتی از معلوماتی را که در این موضوع بدریشان میخورد فراگیرند . امروز بسیاری از زنان که دارای تربیتی عالی هستند ، اینرا تحقیر و خیال می کنند که مادر بودن بقوای فکری آنان مجال فعالیت نمی دهد و این بدبختی بزرگی است که آنان نتوانند بهترین مقام مادری را دارا شوند اما افکارشان این چنین منحرف شود» (۲) .

تجربه ثابت کرده است که :

– هر قدر بلزوم معرفت و معلومات پی برده شود ، زنان هوشمند
بیشتر مجذوب عالم مادری می گردند . (۳)

آری در این صورت آنها پی خواهند برد که صلاح آنها و
بشریت در این است که بندهای درون خود پاسخ مثبت گویند و بدین ترتیب
جهان متزلزلی را از خطر سقوط و انهدام و انحطاط حفظ نمایند .

کدام مهمتر است ؟

اکنون یا باید زنان را برای همکاریهای بیشتر اقتصادی و اجتماعی
با مردان ، به حال خود گذاشت و از فواید ناچیز مادی آن برخوردار
شد ، یا از این فواید اندک بگذریم و بگذاریم مادران در آغوش گرم

۱ – موجود ناشناخته ص ۱۰۱

۲ – در تربیت صفحه ۲۰۷

۳ – در تربیت صفحه ۲۰۷

خود، فرزندان لایق و انسانهای واقعی ببار آورند. زن جزئی از اجتماع است. اگر بخواهیم در بهبود و تنظیم و تکمیل اوضاع اقتصادی و مالی سهمی بردوش گیریم ناگزیر باید خانواده و وظائف دقیق و سنگین آن را در نظر انسان تا حدود يك مساله زایدو دست کم غیر قابل اهمیت تنزل داد. باید به آنها آموخت که:

- اقتصاد بهتر برابر با اولاد کمتر است

و تازه این «اولاد کمتر» هم چه مانعی دارد که به کودکانها و دبستانهای شبانه روزی یا بدست کلفتها و نوکرها سپرده شوند!

جانبداران این رفورم معتقدند که از رهگذر شرکت زنان در برنامه‌های اقتصادی و صنعتی بنیان اقتصادی جوامع، قوام و استحکام یافته است.

ولی پاسخ این ادعا بسیار روشن است. باید گفت قوام اقتصادی خیالی شما به بهای از دست رفتن نیروهای انسانی مؤثر و سازنده‌ای تمام شده است که می‌باید در دامان همین زنان پرورش یابند و از کانون پر عاطفه سینه سوزان آنان فروغ گیرند و روشنی یابند.

عقلا همیشه منافع کوچک را فدای منافع بزرگ می‌کنند. متأسفانه در این جاد درست برخلاف رویه عقلا رفتار شده است. یعنی برای يك منفعت کوچک، منافع بی‌شمار مادی و معنوی را فدا کرده‌اند:

منافع مادی را:

- زیرا مسلم است که ساختمان جسمانی زنان تاب مقاومت در برابر دشواریها و معضلات امور اجتماعی را - آنچنانکه باید و شاید-

دارا نیست و در نتیجه خیلی پیش از موعد طبیعی به پژمردگی و خمودی می‌گرایند .

منافع معنوی را :

— زیرا خواسته‌های واقعی و ریشه دار زنان که در اعماق جانشان به آنان نیروی حیات و زندگی می‌بخشد . بلاجواب می‌ماند و آن غریزه مقدس و عواطف سوزان و آتشین مادری ، بیهوده تلقی می‌گردد .

حال آنکه اگر این عواطف و غرایز در مسیر صحیح رهبری شوند قادرند کانون خانواده‌ها را از شررهای خود گرم و روشن نگاه دارند و در نتیجه در محیط‌های پاک ، کودکانی قدم به عالم انسانیت گذارند که هم از نظر فردی و هم از جنبه اجتماعی موجوداتی بس مفید و ارزنده باشند .

این چه کاری است که ماخطوطی مشخص و تصویرهایی معین را که در دستگاه متین آفرینش -- برای بهتر به مقصود رسیدن بشر بهدفعهای زندگی -- ترسیم شده است ، نادیده انگاریم و بخواهیم جریان دریای هستی را که در بستر مستقیم و دلپذیر خود آرام و منظم سیر می‌کند به سنگلاخ‌های نامأنوس و تصنعی بشری منحرف کنیم و به گفته روسو :
— چرا زمین را وادار کنیم که محصولی غیر از آنچه صلاحیت دارد ، عرضه بدارد و چرا میوه درختی را از درخت دیگر انتظار داشته باشیم ؟ !... برای اینکه دنبال موهومات و خیالبافی نرویم باید همیشه وضع جسمی و روحی بشر را بیاد داشته باشیم . (۱)

تنها در صورتی خواهیم توانست سعادت و سلامت واقعی را لمس کنیم که برنامه های زندگی را طبق امکانات و شرایط روحی و مقتضیات جسمی خود تنظیم نماییم . در غیر این صورت گرفتار زیانهای جبران ناپذیر و مدحشی خواهیم شد .

طراح خلقت باظرافتی خاص بموازات تفویض مسؤلیت سنگین پاسداری از نسل ، تمام لوازم و ابزار این وظیفه حساس و حیاتی را در وجود زن مستقر گردانیده است . زن نیز برای هماهنگی بانظام خلقت . جز تسلیم در برابر مقدراتی که ساختمان روحی و جسمیش مقتضی است چاره ای ندارد .

آنان که خواهان سعادت فرد و اجتماعند و جامعه ای متعادل و مهندب کمال مطلوبشان است، وظیفه دارند همه طبقات . بالاخص زنان را به وظائف اصلی و واقعی خود رهنمون شوند تا سازمان اجتماع دچار اختلال و نابسامانی نگردد .

دکتر کارل گوید : پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

— باید شخصیتی را که آدمی در شرائط زندگی جدید از دست داده است . به او باز گردانید و جنس را از نوبدقت متمایز کرد .

مهم این است که هر فرد ، بدون چون و چرا . مردی از زن باشد و تعلیم و تربیت وی مانع از تظاهر غرایز جنسی و خصایص روانی و تمنیات جنس مخالف در او گردد و فرصت برای نمود تمام نیروها و استعداد هایش باو بدهد . افراد انسانی را نمی توان چون ماشینهای يك کارخانه ، یکسان و يك شکل ساخت . (۱)